شما با جزیرة العرب می جنگید و الله متعال آن را فتح می نماید. سپس با فارس (ایران) می جنگید و الله متعال آن را فتح می کند. پس از آن با روم می جنگید و الله متعال آن را فتح می کند. آنگاه با دجال می جنگید و الله متعال به شما فتح و پیروزی عنایت می کند.

از نافع بن عتبه رضی الله عنه روایت است که می گوید: همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوه ای بودیم که گروهی با لباس های پشمی از سمت مغرب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و در کنار تپه ای با رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات کردند. آنها ایستاده بودند و رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بود. با خود گفتم نزد آنان برو و میان آنها و رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار بگیر تا مبادا او را ترور کنند. سپس با خود گفتم: شاید رسول الله صلی الله علیه وسلم با آنها حرفی خصوصی داشته باشد. به هر حال، نزد آنان رفتم و بین آنها و رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستادم. در آنجا چهار جمله از رسول الله صلی الله علیه وسلم حفظ نمودم که با دستم می شمارم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تَغْزُونَ جَزِيرَةَ الْعَرَبِ فَيَفْتَحُهَا اللهُ، ثُمَّ فَارِسَ فَيَفْتَحُهَا اللهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الرُّومَ فَيَفْتَحُهَا اللهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الدَّجَّالَ فَيَفْتَحُهُ اللهُ»: «شما با جزیرة العرب می جنگید و الله متعال آن را فتح می نماید. سپس با فارس (ایران) می جنگید و الله متعال آن را فتح می کند. پس از آن با روم می جنگید و الله متعال آن را فتح می کند. آنگاه با دجال می جنگید و الله متعال به شما فتح و پیروزی عنایت می کند». راوی می گوید: نافع گفت: ای جابر، ما فکر نمی کنیم تا روم فتح نشود، دجال ظهور کند.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

نافع بن عتبه رضی الله عنه حکایت می کند که همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوه ای بوده است که ناگهان مردمانی از طرف مغرب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می آیند که لباس پشمی بر تن دارند. این درحالی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مکان بلندی نشسته است؛ بنابراین درحالی که آنها ایستاده و رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته است، با ایشان ملاقات می کنند؛ در این میان نافع با خود می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم را با این افراد غریبه رها نکن و تنها نگذار؛ برو و با آنان باش تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را نکشند؛ سپس با خود می گوید: شاید رسول الله صلی الله علیه وسلم بخواهد با آنها خصوصی سخن بگوید و کسی از سخنان آنها اطلاع نیابد. به هرحال تصمیم می گیرد که برود و بین آنها و رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار بگیرد؛ نافع می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم چهار جمله حفظ نمودم که یکی یکی آنها را می شمارم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داد که مسلمانان بعد از او با کفار عرب می جنگند و عرب ها همگی وارد اسلام می شوند و به این ترتیب سراسر جزیرة العرب تحت حکومت و فرمانروایی مسلمانان قرار می گیرد؛ سپس به آنها خبر می دهد که با فارس ها می جنگند و بر آنها پیروز می شوند و همه ی شهرهای سرزمین فارس را فتح می کنند. پس از آن با روم می جنگند و بر آنان نیز پیروز می شوند و سرزمین آنها را فتح می کنند. آنگاه با دجال می جنگند و الله متعال او را مغلوب و شکست خورده می گرداند. در پایان نافع به جابر بن سمره می گوید: ای جابر، گمان نمی کنم تا سرزمین روم را فتح نکنیم، دجال خارج شود. ناگفته نماند که همه ی این موارد رخ داده است و تنها جنگیدن با دجال باقی مانده است؛ و این واقعه در نزدیکی قیامت اتفاق می افتد.